

سخن خوش گوی چندانی که گویی: مروری بر میراث معنوی عطار^۱

دکتر یزدان منصوریان، دانشیار دانشگاه خوارزمی

امروز - بیست و پنجم فروردین - در تقویم رسمی کشور به عنوان روز بزرگداشت عارف بزرگ شیخ فریدالدین عطار نیشابوری نام گذاری شده است. استاد گرانقدر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که تحقیقات فراوانی درباره آثار و شخصیت عطار انجام داده‌اند، در کتاب ارزشمند «زبور پارسی» می‌نویسند: «شعر عطار در نگاه نخستین، گاه، خواننده را می‌رماند؛ اما شکیبایی و قدری آمادگی روحی لازم است تا به درون این باغ راه پیدا کنیم. وقتی اُنس گرفتیم می‌بینیم که در آن سوی بعضی ناهماهنگی‌ها، چه منظومه منسجمی از احساس و اندیشه موج می‌زند» (ص. ۴۵). و به راستی که اینچنین است.

شاید بخشی از این دشواری در مطالعه آثار عطار ناشی از این واقعیت است که به قول ایشان در میان بزرگان شعر فارسی زندگی هیچ شاعری به اندازه عطار در ابر ابهام نهفته نمانده است. زیرا در زمان حیات و پس از درگذشت عطار بسیاری از شاعران شهرت «عطار» داشته‌اند. یا به دلیل گسترش شغل عطاری بوده یا برخی از آنان تلاش کرده‌اند به هر دلیل خود را به نام «عطار» معرفی کنند. در «زبور پارسی» فقط در میان معاصران عطار به نام ۲۴ نفر اشاره شده است (ص. ۹۱-۱۰۳) و بعد از آن تعدادی دیگر نیز بوده‌اند. در نتیجه اشعار و حتی آثار مستقلى به عطار نسبت داده شده که متعلق به او نیست. فقط شش اثر الهی‌نامه (که نام اصلی آن خسرونامه بوده)، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر (مقامات طيور)، دیوان (غزلیات و قصاید) و مختارنامه آثاری هستند که آثار مسلم و قطعی عطارند (همان، ۲۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰).

بنابراین، اگر آثار مشکوک منتسب به عطار را نادیده بگیریم و فقط در همین چند اثر در جستجوی یافتن چهره‌ای از این اندیشمند باشیم، نکته‌ها و یافته‌های بسیار در انتظارمان خواهد بود. زیرا عطار به چند جهت در قلمرو ادبیات و عرفان این سرزمین جایگاهی ویژه دارد. نخست آنکه تاثیر او بر اندیشه‌های عارفان بعد از خود از جمله مولوی و حافظ آشکار است و در منابع بسیاری ذکر شده است. اهمیت این اثرگذاری تا به درجه‌ای است که استاد محمود عابدی بر این باور است که منطق‌الطیر به عنوان مشهورترین اثر عطار رآسی از مثلثی عرفانیست که دو رأس دیگر آن حدیقه سنایی و مثنوی مولوی است. (کتاب ماه ادبیات، ۱۳۸۷).

^۱ منصوریان، یزدان. «سخن خوش گوی چندانی که گویی: مروری بر میراث معنوی عطار». سخن هفته لیزنا، شماره ۱۷۸. ۲۵ فروردین ۱۳۹۳.

دیگر آنکه تنوع موضوعاتی که عطار به آن‌ها پرداخته نیز کم‌نظیر است. قلمرو اندیشه‌های او چنان گسترده است که امروزه موضوع بحث و پژوهش بسیاری از محققان ادبیات و عرفان قرار گرفته و آثار متعددی در این زمینه منتشر شده است، که فقط به گزیده‌ای از آن‌ها در ادامه اشاره می‌کنم.

مثلاً، سلطانیه (۱۳۹۰) به بررسی زبان از دیدگاه عطار پرداخته و به این نتیجه رسیده است که دیدگاه عطار درباره زبان از چند جهت با سهروردی مشابهت داشته است. زبان را امری مقدس می‌شمرده و در الهی نامه می‌گوید: «اساس هر دو عالم جز سخن نیست». ضمن آنکه عطار به تاثیر زیبایی کلام بر اثربخشی آن بر مخاطب نیز معتقد بوده است. از این رو، به شیوه‌های مختلف در آراستگی زبان خود می‌کوشد. مثلاً در بیان افکارش از قصه و مثال بسیار بهره برده است. بر همین اساس، منطق الطیر سرشار از تمثیل و نماد است.

زبان عطار نیز در آثارش به گونه‌ای است که از یک سو مفاهیم عمیق را به سادگی بیان می‌کند و از سوی دیگر با استفاده از نمادها و نشانه‌ها تصویری روشن از این مفاهیم ترسیم کرده است. با این حال عطار به کاستی‌ها و کژتابی‌های زبان نیز کاملاً آگاه بوده است: چون زبان در عشق تو بر کار نیست / لب فرو بستم قلم کردم زبان (دیوان) یا آنجا که می‌گوید: بسی گفتیم و خاموشی گزیدیم / ز گویایی به خاموشی رسیدیم (اسرارنامه)؛ و تاکید می‌کند بر این که سخن باید آراسته و پیراسته باشد: سخن خوش گوی چندان که گویی / که خوش گویی است اصل هر نکویی (اسرارنامه).

همنشینی نه چندان آسان «خرد» و «عشق» نیز در آثار عطار بسیار الهام‌بخش و آموزنده است. عطار شراب عشق را در جام خرد می‌ریزد و این در عرصه اندیشه ابتکاری بسیاری ارزنده است. او خرد را نقد سرای کاینات می‌داند و عشق را اکسیر حیات. با این حال در سیر و سلوک عارفانه خود در نهایت خرد را همچون گنجشکی در برابر سیمرغ عشق می‌پندارد. او در بخش پنجم اسرارنامه به زیبایی این مقایسه را نشان می‌دهد:

شراب عشق در جام خرد ریز / وز آنجا جرعهء بر جان خود ریز

خرد آبست و عشق آتش بصورت / نسازد آب با آتش ضرورت

خرد گنجشک دامناتمامیست / ولیکن عشق سیمرغ معانیست

خرد نقد سرای کایناتست / ولیکن عشق اکسیر حیاتست

همانطور که گفته شد، آثار عطار سرشار از نشانه و نماد است. هر یک از این نمادها خود حدیث مفصلی است. محمودی (۱۳۸۹) به بررسی و تحلیل نماد «دریا» در آثار عطار پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که در آثاری همچون

الهی‌نامه و منطق‌الطیر زمانی که عطار از دریا و واژگان مرتبط به آن نظیر قطره، شبنم، موج، ماهی، گوهر، مروارید، و کشتی استفاده می‌کند از این نمادها برای تبیین مفاهیم متعددی همچون فنا و رهایی از خود بهره جسته است:

عشق چیست از خویش بیرون آمدن / غرقه دریای پر خون آمدن

گر بدین دریا فرو خواهی شدن / نیست هرگز روی بیرون آمدن

گسترده‌گی و گوناگونی مباحثی که عطار در آثار خود به آن‌ها پرداخته نیز موضوع ارزشمندی برای تحقیق و مطالعه درباره اوست. ابوالقاسمی (۱۳۸۸) با بررسی تنوع موضوعی و محتوایی غزلیات عطار به این نتیجه می‌رسد که غزلیات او مضامین عرفانی حکیم سنایی و روانی و فصاحت غزل انوری را همزمان در خود نهفته دارد. علاوه بر آنکه او موفق شده در کنار مضامین عرفانی به سایر موضوعات نظیر وصف و پند و اندرز (نکات تعلیمی) نیز پردازد.

پناهی (۱۳۹۰) با مقایسه چگونگی آموزش تفکر نزد فریدالدین عطار و آنچه متیو لیپمن (Matthew Lipman) - بنیانگذار آموزش فلسفه به کودکان - در رویکرد نوین خود مطرح می‌کند، به نتایج قابل تأملی رسیده است. ایشان در این تحقیق با بررسی شیوه گفتگوی دو سویه عطار در منطق‌الطیر و مقایسه آن با مولفه‌های «آموزش تفکر» و «تفکر انتقادی» در روش لیپمن شباهت‌های فراوانی میان این دو روش یافته است. بویژه آنکه در هر دو روش طرح داستان و گفتگو مبنای اصلی آموزش است. همانطور که لیپمن توصیه می‌کند برای آموزش مهارت چگونه اندیشیدن باید با طرح داستان و ایجاد فضای پرسشگری به دانش‌آموزان اجازه دهیم آزادانه به ارزیابی و استنتاج عقاید فردی از گفتگوهای جمعی در کلاس برسند، عطار نیز در منطق‌الطیر همین رویکرد را داشته است. زیرا او با طرح یک پرسش جمعی و هدایت گام به گام گروه تحت تعلیم و فراهم آوردن امکان طرح پرسش‌های آزاد و فردی، آنان را به تفکر آزادانه برای رسیدن به پاسخ ترغیب و تشویق می‌کند. پاسخی که از مسیر گفتگو و استدلال حاصل می‌شود، نه پاسخی قطعی و از پیش تعیین شده.

امروز که روز بزرگداشت عطار است، فرصت مغتنمی است که نگاهی به میراث ارزشمندی که او برای آیندگان به یادگار گذشته است بیاندازیم و از خرمن معرفت او خوشه‌ای بچینیم. بر این اساس، در پایان چند بیتی که از گنجینه اسرارنامه درباره جایگاه و اهمیت سخن برگزیده‌ام، که حضورتان تقدیم می‌کنم. شما هم اگر بیت یا ابیاتی از عطار برایتان جالب است برای گرامیداشت این روز در بخش نظرخواهی سایت بنویسید:

نخست اندیشه کن آنکه سخن گو / بسی پرسیدن و گفتن مکن خو

سخن خوش گوی چندانی که گویی / که خوش گویی ست اصل هر نکویی

سخن کم گوی چون گویی نکو گوی / نه نیک و بد چنانک آید فرو گوی

سخنهای بزرگان یاد می گیر / ز هر یک نکته صد استاد می گیر
 کسی با تو سخن گوید براندیش / مگو کین را شنودستم از این پیش
 مده بر باد عمر را رایگانی / که کس نشناخت قدر زندگانی

منابع:

- ابوالقاسمی، سیده مریم (۱۳۸۸) بررسی تنوع موضوعی و محتوایی در غزلیات عطار، مجله تاریخ ادبیات، ش. ۶۱/۳، ص. ۵-۲۶.
- پناهی، مهین (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه شیوه آموزش تفکر نزد فردالدین عطار و متیو لیپمن، تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۲، ش. ۱، ص. ۳-۲۳.
- سلطانیه، فروغ (۱۳۹۰) زبان از دیدگاه عطار. کهن نامه ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. دوره ۲، ش. ۱، ص. ۴۷-۶۸.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰) زبور پارسی: نگاهی به زندگی و غزل های عطار. چاپ دوم، تهران: آگاه.
- کتاب ماه ادبیات (۱۳۸۷) عطار به روایت شفیی کدکنی. کتاب ماه ادبیات، دوره ۱۲، پیاپی ۱۲۶، ص. ۹۵-۹۶.
- محمودی، مریم (۱۳۸۹) بررسی و تحلیل نماد «دریا» در آثار عطار. پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲، ش. ۸، ص. ۱۷۳-۱۹۳.